

مؤلف: مهدي ابوطالبي (مدرس دانشگاه تهران (پرديس قم))

اشاره: مقام معظم رهبري در خطبه‌هاي نماز جمعه روز 14 خرداد، و در بيست و يكمين سالگرد رحلت امام خميني (ره) با تبين چگونگي انقلاب‌ها از مسير اصلي خود، به تبين راه‌هاي جلوگیری از انحراف انقلاب اسلامي پرداختند. ايشان امام را صراط مستقيم انقلاب اسلامي و اندیشه‌هاي ايشان را به عنوان يك شاخص و معيار مناسب براي حفظ انقلاب در مسير اصلي دانستند. در اين نوشتار به شاخص‌هاي مهم اندیشه امام از نگاه رهبري خواهيم پرداخت.

### انحراف در تحولات اجتماعي

مهم‌ترين چالش هر تحول اجتماعي: انحراف از جهت‌گيري اصلي

مقام معظم رهبري چالش اصلي همه تحولات بزرگ اجتماعي - از جمله انقلابها - را عدم صيانت از جهت‌گيري‌هاي اصلي اين انقلاب يا اين تحول ذکر کردند و فرمودند: "اگر جهت‌گيري به سمت هدف‌ها در يك انقلاب، در يك حرکت اجتماعي صيانت نشود و محفوظ نماند، آن انقلاب به ضد خود تبديل خواهد شد؛ در جهت عكس اهداف خود عمل خواهد كرد."

ايشان با اشاره به آيه 112 سورة هود: "فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ"<sup>1</sup> راه حفظ جهت‌گيري‌هاي اصلي را استقامت و پايداري و ادامه دادن راه مستقيم و در جهت درست حرکت کردن دانستند و در مقابل، انحراف از اين حرکت مستقيم را طغيان دانستند: "و لاتطغوا". طغيان، يعني سرکشي؛ منحرف شدن. به پيغمبر مي‌فرمايد: هم تو - شخصاً - هم کسانی که همراه تو و با تو هستيد، اين راه را درست ادامه بدهيد و منحرف نشويد؛ "اين آيه به نحوي است که پيغمبر اکرم(ص) درباره آن فرمودند: "شيبتي هود"<sup>2</sup>؛ سورة هود مرا پير کرد. اين به خاطر همين آيه است در حالي که در جاي ديگر قرآن هم دارد: "فَلْيَذِكُرْ قَادُوعًا وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ"<sup>3</sup>، اما عنوان "فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا" - منحرف نشويد، از راه برنگريد - خطاب سختي است که به خود پيغمبر است. اين خطاب، دل پيغمبر را مي‌لرزاند.

### تدریجي بودن انحراف

رهبر انقلاب در تبين چگونگي ايجاد اين انحراف از مسير اصلي، به تدریجي بودن اين انحراف‌ها اشاره کردند و فرمودند: "تغيير جهت‌گيري‌ها تدریجي و نامحسوس است؛ اينجور نيست که از اول کار، اين تغيير جهت‌گيري با 180 درجه اتفاق بيفتد؛ اول با زاويه‌هاي خيلي کوچکتر، اين تغيير شروع مي‌شود؛

هرچه ادامه پیدا می‌کند، فاصله راه اصلی - که صراط مستقیم است - با این انحراف، روزبه‌روز بیشتر می‌شود. این يك جهت است.

### انحراف انقلاب با پرچم انقلاب

نکته دیگری که در رابطه با چگونگی این انحراف، مطرح کردند این بود که این انحرافات با نام انقلاب و پرچم انقلاب انجام می‌شود، تا بتواند انقلابیون را با خود در انحراف همراه کند:

جهت دیگر این است که کسانی که در پی تغییر هویت انقلاب بر می‌آیند، معمولاً با پرچم رسمی و با تابلو جلو نمی‌آیند؛ آنچنانی حرکت نمیکنند که معلوم بشود اینها دارند با این حرکت مخالفت می‌کنند؛ حتی گاهی به عنوان طرفداری از حرکت انقلاب، يك اقدامی می‌کنند، يك اظهاری می‌کنند، کاری می‌کنند، زاویه ایجاد می‌کنند؛ انقلاب از جهت‌گیری خود به کلی دور می‌افتد و برکنار می‌شود.

### لزوم شاخص برای جلوگیری از انحراف

ایشان معتقدند برای اینکه این جهت‌گیری غلط و این انحراف اتفاق نیفتد، احتیاج به شاخصهای معینی هست. باید سر راه، شاخصهایی وجود داشته باشد. اگر این شاخصها بود، روشن بود، واضح بود، در معرض دید مردم بود، انحراف اتفاق نمی‌افتد؛ اگر کسی هم در جهت انحراف کار کند، از نظر توده مردم شناخته می‌شود؛ اما اگر شاخصی وجود نداشت، آن وقت خطر جدی خواهد شد.

### امام، بهترین شاخص انقلاب

مقام معظم رهبری با تشبیه امام به پیامبر اسلام (ص) و حضرت ابراهیم (ع) در اسوه بودن برای ملت خود، بهترین شاخص برای انقلاب و حفظ آن را خود امام و خط امام می‌دانند: "امام بهترین شاخص برای ماست. اگر این تشبیه با همه فاصله‌ای که وجود دارد، به نظر برسد، عیبی ندارد که به وجود مقدس پیغمبر تشبیه کنیم که قرآن می‌فرماید: "لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ" 4 خود پیغمبر اسوه است؛ رفتار او، کردار او، اخلاق او. یا در يك آیه شریفه دیگر می‌فرماید: " قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ" 5؛ ابراهیم و یاران او اسوه‌اند. در اینجا یاران ابراهیم پیغمبرهم ذکر شده‌اند تا کسی نگوید که پیغمبر (ص) معصوم بود یا ابراهیم (ص) معصوم بود، ما نمیتوانیم از آنها تبعیت کنیم؛ در مورد امام بزرگوار که شاگرد این مکتب و دنباله‌رو راه این انبیای عظام است، همین معنا صدق می‌کند. خود امام برجسته‌ترین شاخصهاست؛ خوشبختانه رفتار، گفتار و بیانات امام در دسترس است، تدوین شده است. وصیتنامه امام آشکارا همه مافی‌الضمیر امام را برای آینده انقلاب تبیین می‌کند.

### لزوم تبیین صحیح و شفاف اندیشه امام

از نظر مقام معظم رهبری نکته مهمی که در تبیین خط و اندیشه امام باید مورد توجه قرار بگیرد، تبیین صحیح و شفاف اندیشه‌های امام است. ایشان در این زمینه فرمودند: "نباید اجازه داد این شاخصها غلط تبیین شوند، یا پنهان بمانند، یا فراموش شوند. اگر ما این شاخصها را بد تبیین کردیم و غلط ارائه دادیم، مثل این است که يك قطب‌نما را در يك راه از دست بدهیم، یا قطب‌نما از کار بیفتد. بدخواهان هم در این میان از فرصت استفاده می‌کنند، راه را جوری تبیین می‌کنند که ملت به اشتباه

بیفتد. مواضع امام بایستی به طور روشن و واضح - همان طور که خود او گفت، همان طور که خود او نوشت - تبیین شود؛ این ملاک راه امام و خط امام و صراط مستقیم انقلاب است.

رهبر انقلاب معتقدند نباید برای خوشامد این و آن، برخی از مواضع حقیقی امام را یا انکار کرد، یا مخفی نگه داشت. این فکر غلطی است که برای اینکه امام پیروان بیشتری پیدا کند، کسانی که مخالف امام هستند، هم به امام علاقه‌مند شوند، بایستی ما بعضی از مواضع صریح امام را یا پنهان کنیم یا نگوئیم یا کمرنگ کنیم؛ نه، هویت و شخصیت امام به همین مواضعی است که خود او با صریح‌ترین بیانه‌ها و روشن‌ترین الفاظ و کلمات، آنها را بیان کرد. همین‌ها بود که دنیا را تکان داد. همین مواضع صریح بود که توده‌های عظیم را مشتاق ملت ایران و بسیاری را پیرو ملت ایران کرد. این نهضت عظیم جهانی که شما امروز در گوشه و کنار دنیای اسلام نشانه‌های آن را می‌بینید، از این طریق به راه افتاد. امام را باید صریح وسط میدان آورد. مواضعش بر علیه استکبار، مواضعش بر علیه ارتجاع، مواضعش بر علیه لیبرال دموکراسی غرب، مواضعش بر علیه منافقان و دو رویان را باید صریح گذاشت. کسانی که تحت تأثیر آن شخصیت عظیم قرار گرفتند، این مواضع را دیدند و تسلیم شدند.

### هویت امام به خط امام است

از نظر مقام معظم رهبری حتی هویت خود امام هم وابسته به خط و تفکر امام است. لذا ایشان می‌فرمایند: امام منهای خط امام، امامی نیست که ملت ایران به نفس و هدایت او جانانشان را کف دست گرفتند، فرزندان‌شان را به کام مرگ فرستادند، از جان و مالشان دریغ نکردند و بزرگترین حرکت قرن معاصر را در این نقطه عالم به وجود آوردند. امام منهای خط امام، امام بی‌هویت است. سلب هویت از امام، خدمت به امام نیست. مبانی امام، مبانی روشنی بود. این مبانی - اگر کسی نخواهد مجامله کند، تعارف کند - در کلمات، بیانات، نامه‌ها، و به خصوص در وصیتنامه امام - که کوتاه شده همه آن مواضع است - منعکس است. این مبانی فکری همان چیزی است که آن موج عظیم و سهمگین را علیه غارتگری‌های غرب و یکه‌تازی‌های آمریکا در دنیا به وجود آورد. شما خیال می‌کنید اینکه رئیس جمهورهای گوناگون آمریکا به هر کشوری از این کشورهای آسیا و خاورمیانه سفر کردند، حتی در بعضی از کشورهای اروپایی مردم جمع شدند و علیه آنها شعار دادند، همیشه این‌جور بود؟ نه، این حرکت، این افشاگری و موضع‌گیری امام بود که استکبار و صهیونیسم را رسوا کرد، و روح مقاومت را در ملتها و به خصوص در جوامع اسلامی زنده کرد.

این کج‌اندیشی است که ما مواضع امام را انکار کنیم. این کج‌اندیشی را هم متأسفانه بعضاً کسانی انجام می‌دهند که زمانی خودشان جزو مروجان افکار امام یا جزو پیروان ایشان بودند. حالا به هر دلیلی راه‌ها کج می‌شود، هدفها گم می‌شود، يك عده‌ای برمی‌گردند؛ بعد از آنکه سالهای متمادی برای امام و برای این هدفها حرف زدند و حرکت کردند، در مقابل این اهداف و این مبانی می‌ایستند و آن حرفها را می‌زنند!

### شاخص‌های اصلی اندیشه امام

#### 1. اسلام ناب محمدی

رهبر انقلاب اولین و اصلی‌ترین نقطه در مبانی و نظرات امام را مسئله اسلام ناب محمدی دانستند.

ایشان در توضیح اسلام ناب فرمودند: "[اسلام ناب] یعنی اسلام ظلم‌ستیز، اسلام عدالتخواه، اسلام مجاهد، اسلام طرفدار محرومان، اسلام مدافع حقوق پابرهنگان و رنجدیدگان و مستضعفان. در مقابل این اسلام، امام اصطلاح "اسلام آمریکائی" را در فرهنگ سیاسی ما وارد کرد. اسلام آمریکائی یعنی اسلام تشریفاتی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل ظلم، در مقابل زیاده‌خواهی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل دست‌اندازی به حقوق مظلومان، اسلام کمک به زورگویان، اسلام کمک به اقویا، اسلامی که با همه اینها می‌سازد.

## نظام اسلامی زمینه تحقق اسلام ناب

ایشان تأکید کردند که تحقق اسلام ناب، جز با حاکمیت اسلام و تشکیل نظام اسلامی امکان‌پذیر نیست. بر همین اساس در اهمیت نظام اسلامی فرمودند: اگر نظام سیاسی کشور بر پایه شریعت و تفکر اسلامی نباشد، امکان ندارد که اسلام بتواند با ستمگران و با زورگویان عالم، و زورگویان یک جامعه، مبارزه واقعی و حقیقی بکند. لذا امام حراست و صیانت از جمهوری اسلامی را اوجب واجبات می‌دانست. نه از اوجب واجبات. واجب‌ترین واجبات، صیانت از جمهوری اسلامی است؛ چون صیانت اسلام - به معنای حقیقی کلمه - وابسته به صیانت از نظام سیاسی اسلامی است. بدون نظام سیاسی، امکان ندارد. امام جمهوری اسلامی را مظهر حاکمیت اسلام می‌دانست. برای همین، جمهوری اسلامی را دنبال کرد، در راهش آن همه تلاش کرد و با آن شدت و حدت و اقتدار پای جمهوری اسلامی ایستاد.

## جمهوری اسلامی مدلی نو از نظام سیاسی

رهبر معظم انقلاب معتقدند جمهوری اسلامی مدلی جدید و نو از نظام سیاسی بود که امام به دنیا عرضه کرد. ایشان در توصیف ویژگی‌ها و شاخص‌های جمهوری اسلامی فرمودند: اساسی‌ترین مسئله در جمهوری اسلامی، مبارزه با حاکمیت‌های زورگویانه و اقتدارطلب دنیاست که در شکلهای مختلف خودش را نشان می‌دهد. حکومت دیکتاتوری و اقتدارطلب، فقط حکومت پادشاهان نیست؛ یک نوع دیکتاتوری هم دیکتاتوری سرمایه‌داران است که در نظامهای به ظاهر مردم‌سالار - نظامهای لیبرال دموکراسی - تجلی پیدا می‌کند. این هم نوعی دیکتاتوری است، منتها دیکتاتوری بسیار هوشمندانه و غیر مستقیم؛ در واقع دیکتاتوری سرمایه‌دارها و صاحبان ثروت‌های بزرگ است. امام، جمهوری اسلامی را در مقابل این طاغوت‌های بشری به وجود آورد؛ اسلام را - که در دل اسلامیت، تکیه به مردم و رأی و خواست مردم وجود دارد - معیار اصلی این نظام قرار داد. بنابراین جمهوری اسلامی، هم جمهوری است، یعنی متکی به آرای مردم است؛ هم اسلامی است، یعنی متکی به شریعت الهی است. این یک مدل نو است؛ این یکی از شاخص‌های عمده در خط امام است.

هر کسی درباره حاکمیت نظام جمهوری اسلامی برخلاف این فکر کند، برخلاف فکر امام است؛ مدعی نشود که او دنباله‌رو امام است، در عین حال این فکر را دارد؛ نه، فکر امام این است. این واضح‌ترین خط از خطوط اندیشه امام است.

## 2. جاذبه و دافعه امام

رهبر انقلاب شاخص دیگر در برنامه و خط امام و راه مستقیم ایشان را مسئله جاذبه و دافعه دانستند و در مورد ویژگی‌های جاذبه و دافعه انسان‌های بزرگ، مثال امام فرمودند: انسان‌های بزرگ،

جاذبه و دافعه‌شان هم میدان وسیع و گسترده‌ای دارد. جاذبه و دافعه امام تماشایی است. آنچه که مبنا و معیار جاذبه و دافعه امام بود، باز مکتب بود، اسلام بود؛ درست همان طوری که امام سجاد (سلام الله علیه) در دعای ورود به ماه رمضان - به خداوند متعال عرض می‌کند. - حضرت چیزهایی را از خدای متعال برای ماه رمضان درخواست می‌کنند؛ از جمله چیزهایی که درخواست می‌کنند، این است: "و ان نسالم من عادانا!" پروردگارا! از تو می‌خواهیم که با همه دشمنان خودمان صلح کنیم، سلم و مدارا پیشه کنیم. بعد بلافاصله می‌فرمایند: "حاشی من عودی فیک و لك فأنه العدو الذي لانوالیه و الحرب الذي لانصافیه"؛ مگر آن دشمنی که من به خاطر تو با او دشمنی کردم، در راه تو با او دشمنی کردم. این دشمنی است که ما هرگز با او دم از آشتی نخواهیم زد و دل ما با او صاف نخواهد شد. 6

ایشان معتقدند جاذبه و دافعه امام همراه باهم بود و ملاک آن مسائل و کدورت‌های شخصی نبود، بلکه مکتب اسلام بود:

امام با کسی دشمنی شخصی نداشت. اگر کدورت‌های شخصی‌ای هم بود، زیر پا می‌گذاشت؛ اما دشمنی به خاطر مکتب، برای امام بسیار جدی بود. همان امامی که از اول شروع نهضت در سال 1341 روی توده مردم، انواع و اقسام افکار گوناگون در میان مردم، اینجور آغوش باز کرده بود، مردم را از اهل هر قومی، از اهل هر گروه و مذهبی، با آغوش باز می‌پذیرفت، همین امام در اول انقلاب مجموعه‌هایی را از خود طرد کرد. کمونیست‌ها را صریح طرد کرد. در مقابل لیبرال‌مسئله‌ها و دلباختگان به نظام‌های غربی و فرهنگ غربی، قاطعیت نشان داد؛ اینها را از خود دور کرد، از خود جدا کرد؛ هیچ رودریاستی و ملاحظه‌ای نکرد. مرتجعین را - کسانی که حاضر نبودند حقائق الهی و روح قرآنی احکام اسلامی را قبول کنند و تحول عظیم را بپذیرند - از خودش طرد کرد. در تبری از افرادی که در دایره فکری و مبانی اسلامی او قرار نمی‌گرفتند، تأمل نکرد؛ در حالی که با آنها هم دشمنی شخصی نداشت.

#### ائتلاف با دشمنان امام، مخالف خط امام

ایشان معتقدند نمی‌شود انسان خود را در خط امام و دنباله‌رو امام بداند، اما خودش را با کسانی که صریحاً پرچم معارضة با امام و اسلام را بلند می‌کنند، در یک جبهه تعریف کند. نمی‌شود قبول کرد که آمریکا و انگلیس و سیا و موساد و سلطنت‌طلب و منافق بر روی یک محور توافق کنند، حول یک محور جمع بشوند، بعد آن محور باز ادعا کند که من خط امام! این نمی‌شود، این قابل قبول نیست. نمی‌شود با هر کس و ناکسی ائتلاف کرد. باید بینیم دشمنان دیروز امام در برابر ما چه موضعی می‌گیرند. اگر دیدیم مواضع ما جورجی است که آمریکای مستکبر، صهیونیست غاصب، مزدوران قدرتهای گوناگون، مخالفین و معاندین امام و اسلام و انقلاب از ما تجلیل می‌کنند، احترام می‌کنند، بایستی در مواضعمان شك کنیم؛ باید بدانیم که راه درست و مستقیم را نمی‌رویم. این معیار است، این یک ملاک است. امام هم بارها بر همین تکیه می‌کرد. امام می‌فرمود - در نوشته‌جات و اسناد قطعی فرمایشات امام این وجود دارد - اگر از ما تعریف کردند، بدانیم که خیانتکاریم. این خیلی مهم است.

کسانی بیایند درست در خط مقابل امام حرکت کنند، درباره مسئله قدس در روز قدس آنجور موضعگیری کنند، در روز عاشورا آن فضاقت را به بار بیاورند، بعد ما با کسانی که با اساس مبنا و حرکت امام صریحاً مخالفند، اظهار همراهی کنیم، خودمان را کنار اینها قرار بدهیم و تعریف کنیم، یا در مقابل اینها سکوت کنیم؛ در عین حال بگوئیم ما دنباله‌رو امامیم! این امکان ندارد، این قابل قبول نیست. ملت

### 3. محاسبات معنوی والهی

رهبر انقلاب يك شاخص ديگر در مشي و خط امام را كه از نظر ايشان اهميت زيادي هم دارد، محاسبات معنوي والهي مي‌دانند و درتوضيح اين مطلب، سه بعد مهم را در محاسبات معنوي، كسب رضاي الهي و اطمينان به وعده الهي مي‌دانند: امام در تصميم‌گيري‌ها و تدابير خود، محاسبات معنوي را در درجه اول قرار مي‌داد. انسان براي هر كاري كه مي‌خواهد بکند، در درجه اول هدفش كسب رضاي الهي باشد؛ كسب پيروي نباشد، به دست گرفتن قدرت نباشد، كسب وجاهت پيش زيد و عمرو نباشد. هدف اول، رضاي الهي باشد... بعد [ديگر اين كه].... به وعده الهي اطمينان و اعتماد داشته باشد. وقتي انسان هدفش رضاي خدا بود، به وعده الهي هم اعتماد و اطمينان داشت، آن وقت ديگر ياس، ترس، غفلت و غرور معنا ندارد. امام وقتي كه تنها بود، مبتلاي به ترس ياس نشد؛ آن وقتي هم كه همه ملت ايران يكصدا نام او را فرياد زدند، بلكه ملتهاي ديگر هم به او عشق ورزیدند و اين را ابراز کردند، دچار غرور نشد. آن وقتي كه خرمشهر به وسيله متجاوزين عراقي از دست رفت، امام مأيوس نشد؛ وقتي هم كه خرمشهر را رزمندگان ما با دلاوري و فداكاري خود گرفتند، امام مغرور نشد؛ فرمود "خرمشهر را خدا آزاد كرد؛" يعني ما هيچ‌كاره‌ايم.

از نظر مقام معظم رهبري، بعد سوم در مسائل معنوي، بحث تقوا در امور فردي و سياسي - اجتماعي، در زندگي امام است. ايشان در اين باره مي‌فرمايند: يكي از چيزهائي كه در همين زمينه وجود داشت، رعايت تقواي عجيب امام در همه امور بود. تقوا در مسائل شخصي يك حرف است؛ تقوا در مسائل اجتماعي و مسائل سياسي و عمومي خيلي مشكلتر، خيلي مهمتر و خيلي اثرگذارتر است. ما نسبت به دوستانمان، نسبت به دشمنانمان چه مي‌گوئيم؟ اينجا تقوا اثر مي‌گذارد. ممكن است ما با يكي مخالف باشيم، دشمن باشيم؛ درباره او چگونه قضاوت مي‌كنيد؟ اگر قضاوت شما درباره كسي كه با او مخالفيد و با او دشمنيد، غير از چيزي باشد كه در واقع وجود دارد، اين تعدي از جادة تقواست.

### 4. اهتمام به نقش مردم

يكي ديگر از خطوط اصلي خط امام، از نظر مقام معظم رهبري، نقش مردم است كه اين نقش هم در انتخابات وجود دارد و هم در ساير مسائل اجتماعي. ايشان در رابطه با اهتمام امام به نقش مردم مي‌فرمايند: در هيچ انقلابي در دوران انقلابها - كه نيمه اول قرن بيستم، دوران انقلابهاي گوناگون است؛ در شرق و غرب دنيا انقلابهاي مختلفی با شكلهاي مختلف به وجود آمد - سابقه ندارد كه دو ماه بعد از پيروي انقلاب، يك فراندوم عمومي براي انتخاب شيوه حكومت و نظام حكومتي انجام بگيرد؛ اما به همت امام در ايران اين اتفاق افتاد. هنوز يك سال از انقلاب نگذشته بود كه قانون اساسي تدوين و تصويب شد... بعد هم كه قانون اساسي تدوين شد، آن را به رأي عمومي گذاشتند؛ فراندوم شد، مردم قانون اساسي را انتخاب کردند. بعد هم انتخابات رياست جمهوري و مجلس برگزار شد.

چنان كه اشاره شد اهتمام به مردم فقط منحصر به انتخابات نبود بلكه در ساير مسائل اجتماعي نيز بود؛ در غير مسائل انتخابات هم بارها مردم مورد توجه امام قرار گرفتند و امام به نقش آنها اشاره روشن کردند، گاهي تصريح کردند؛ در يك جاهائي گفتند: اگر مسئولين فلان كار را كه بايد انجام بدهند، انجام ندهند، مردم خودشان وارد مي‌شوند و انجام مي‌دهند.

مقام معظم رهبري معتقدند يکي ديگر از نقاط روشن خط امام، جهاني بودن نهضت امام و تعلق آن به همه مسلمانان بلکه همه ملت‌هاي دنياست. ايشان نحوه جهاني بودن نهضت و مرز آن با دخالت در امور کشورها را اين گونه توضيح دادند:

اين غير از دخالت در امور کشورهاست، که ما نميکنيم؛ اين غير از صادر کردن انقلاب به سبک استعمارگران ديروز است، که ما اين کار را نميکنيم، اهلش نيستيم؛ اين معنايش اين است که بوي خوش اين پديده رحمانی بايد در دنيا پراکنده شود، ملتها بفهمند که وظيفه‌شان چيست، ملتهای مسلمان بدانند که هويتشان چگونه است و کجاست.

ايشان سپس به مسأله فلسطين به عنوان یک نمونه از مواضع و نگاه جهاني امام اشاره کردند و در رابطه با موضع و نظر امام درباره فلسطين و رژيم اشغالگر اسرائيل فرمودند: امام صريحاً فرمود: اسرائيل يك غده سرطاني است. خوب، غده سرطاني را چه کار ميکنند؟ غير از قطع غده، چه علاجي مي‌توان براي آن کرد؟ امام ملاحظه کسي را نکرد. منطق امام اين بود. اين حرف شعاري نيست؛ اين منطقي است. فلسطين يك کشور تاريخي است. در طول تاريخ، کشوري به نام فلسطين وجود داشته است. يك عده‌اي با پشتيباني قدرتهاي ستمگر عالم آمده‌اند با عنيف‌ترين و شديدترين وجهي اين ملت را از اين کشور بيرون کرده‌اند؛ کشتند، تبعيد کردند، شکنجه کردند، اهانت کردند، اين ملت را بيرون کردند.... يك واحد جغرافيايي جعلي و جديدي به جاي آن تحميل کردند و اسمش را گذاشتند اسرائيل.... مي‌گويند کشور فلسطين و ملت فلسطين بايد حذف بشوند تا به جاي آن، کشوري به نام اسرائيل و ملت جعلی‌اي به نام ملت اسرائيل به وجود بياید. اين يك حرف؛ يك حرف ديگر هم در مقابلش هست که حرف امام است؛ مي‌گويد: نه، اين واحد جعلي و تحميلي بايد حذف شود؛ به جاي آن، ملت و کشور اصلي و واحد جغرافيايي اصلي سر کار بياید. از اين دو حرف، کدام منطقي است؟ آن حرفي که متکي به سرنيزه و سرکوب است و مي‌خواهد يك نظام سياسي را، يك واحد جغرافيايي تاريخي را با چند هزار سال سابقه، به کلي از صحنه جغرافيا حذف کند، اين منطقي است يا آن حرفي که مي‌گويد نه، اين واحد اصلي جغرافيايي بايد بماند، آن واحد جعلي و تحميلي بايد از بين برود؟ امام اين را مي‌گفت. اين منطقي‌ترين حرفي است که در باب اسرائيل غاصب و در باب مسئله فلسطين مي‌شود گفت. امام اين را گفت؛ صريح هم اين را بيان کرد. حالا اگر کسي اين حرف را به اشاره هم بيان کند، عده‌اي که مدعي خط امامند، مي‌گويند چرا اين حرف گفته شد؟! خوب، اين حرف امام است؛ اين منطق امام است؛ اين منطق صحيح است؛ همه مسلمانان عالم، همه آزادگان عالم، ملتهای بي‌طرف بايد اين حرف را قبول کنند و بپذيرند اين، درست است. اين موضع امام است.

#### 6. معيار قضاوت: حال فعلي افراد

آخرين نکته‌اي که رهبر انقلاب در رابطه با خط و راه امام مطرح کردند اين بود که امام بارها فرمود قضاوت در مورد اشخاص بايد با معيار حال کنوني اشخاص باشد. ايشان در توضيح نظر امام در اين رابطه فرمودند: "گذشته اشخاص، مورد توجه نيست. گذشته مال آن وقتي است که حال فعلي معلوم نباشد. انسان به آن گذشته تمسک کند و بگويد: خوب، قبلاً اينجوري بوده، حالا هم لابد همان جور است. اگر حال فعلي اشخاص در نقطه مقابل آن گذشته بود، آن گذشته ديگر کارائي ندارد. اين همان قضاوتي بود که امام امر بالمعروف... (عليه الصلاة والسلام) با جناب طاحه و جناب زبیر کردند."

